

نقش محمد مصدق در تدوین قانون مدنی ایران

رضا یعقوبی*

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۳

چکیده

قانون مدنی ستون فقرات نظام حقوقی هر کشور است. هرچقدر مفاد این قانون برآمده از سنت‌های ملی و تاریخی جاری و حاکم بر جامعه و به تعبیر ثقه/الاسلام تبریزی منطبق با «مذاق مملکت» باشد، قوام و دوام و کارآمدی آن بیشتر است. قانون مدنی ایران نیز از این نظر، توسط هیئت تدوین‌کنندگان قانون مدنی، که جملگی از علما و اساتید مبرز حقوق بودند، بر مبنای فقه شیعه تدوین شد و به تصویب مجلس شورای ملی رسید. از آنجا که این قانون در زمان وزارت عدلیه علی اکبر داور تصویب شد، برخی ادعا کرده‌اند که داور درصدد تدوین قانون مدنی براساس قوانین غربی و با استفاده از نظرات مستشاران خارجی بود، ولی با مخالفت مصدق و تحت تأثیر سخنان وی در مجلس ششم مشروطه، از این نظر عدول کرد و قانون مدنی را براساس فقه شیعه و توسط هیئتی ایرانی تدوین نمود. این تحقیق با مطالعه و تطبیق اسناد تاریخی مرتبط با این موضوع، اصالت این ادعا را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که نه داور درصدد تدوین قانون مدنی براساس قوانین غربی بوده و نه مصدق در آن مقطع چنین ادعایی داشته است.

کلیدواژگان:

تجدد، داور، عدلیه، قانون مدنی، کاپیتولاسیون.

* دانش‌آموخته حقوق عمومی، مدرس مدعو پردیس فارابی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
mryaghooby@gmail.com

مقدمه

تا پیش از پیدایش اندیشه مشروطیت، تاریخ حقوق ایران عرصه قدرت‌نمایی «شرع» به عنوان تنها منشأ تعیین قواعد فصل خصومت بود. نیاز به یادآوری نیست که «عرف» به دلیل اینکه ادعای قدرت‌نمایی در برابر شرع نداشت، نتوانست از در «جدال» با شرع درآید و تا پیدایش اندیشه «تجدد» در اواسط دوران قاجار به بعد، قدرت شرع -از دیدگاه حقوقی- قدرتی بلامنازع بود. ظهور اندیشه «تجدد» موجب پیدایش جدال بین «تشرع» به عنوان نماینده مفهوم قدیم قانون و «تجدد» به عنوان مدعی مفهوم جدید قانون شد. جدالی که آثار و پیامدهای آن قبل و بعد از مشروطیت ایران، در اسناد مرتبط با تاریخ حقوق ایران، ثبت و ضبط گردیده است. موضوع این تحقیق، نقد و بررسی تاریخی-سندی و تحلیل حقوقی یکی از همین اسناد است که مربوط به انحلال عدلیه و تصویب قانون مدنی و نقش مصدق در این خصوص است.

پس از انتخاب علی اکبر داور به سمت وزیر عدلیه، وی به عنوان مدافع اندیشه تجدد، با اخذ اختیارات فوق‌العاده از مجلس ششم شورای ملی، در قالب لایحه اصلاح عدلیه با هدف لغو کاپیتولاسیون،^۱ مبادرت به انحلال عدلیه در سراسر کشور نمود و با تمسک به اختیارات مأخوذ از مجلس، مبادرت به عزل و نصب قضات محاکم تهران نمود و در خصوص اصلاح قانون تشکیلات عدلیه و قانون اصول محاکمات حقوقی^۲ و کیفری نیز پاره‌ای اقدامات اصلاحی انجام داد. به موجب لایحه مصوب ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ ش، داور چهار ماه فرصت داشت تا اصلاحات مورد نظر را به مرحله اجرا درآورد. ولی با وجود اتمام مهلت چهارماهه، اقدامات اصلاحی داور به اتمام نرسید و به همین دلیل، لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه راجع به تمدید اختیارات ماده واحده

۱. تاریخ مفهوم کاپیتولاسیون و اهمیت الغای آن در تدوین قوانین و انحلال عدلیه به خوبی در این مقاله تشریح شده است:

جلالی نائینی، سیدمحمدرضا، **الغاء کاپیتولاسیون و تشکیل دادگستری نوین و قانون وکلا**، مجله کانون وکلا، پاییز و زمستان ۱۳۵۵، شماره‌های ۱۳۶ و ۱۳۷، صص ۶۵-۵۱.

۲. به گفته کسروی که خود از قضات عدلیه بود، این قانون توسط میرزا حسن خان مشیرالدوله (پیرنیا) و میرزا حسین خان مشیرالدوله (مؤمن الملک) از قانون اصول محاکمات حقوقی عثمانی، که از فرانسه ترجمه شده بود، به عربی ترجمه نموده و این ترجمه به فرانسه برگردانده شد تا مسیو پرنی آن قانون را ملاحظه و تأیید نماید که چنین کرد و شد (امینی، محمد، **زندگی و زمانه کسروی**، نشر کتاب، ص ۴۱۵؛ کسروی، احمد، **ده سال در عدلیه**، چاپ اول، بی نا، ۱۳۳۳، ص ۹۳).

مصوب ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ش به مدت ۴ ماه «تقدیم مجلس نمود تا با تمدید چهارماهه لایحه، اقدامات اصلاحی خود را به اتمام رساند.

به باور برخی از نویسندگان، داور درصدد استفاده از نظر مستشاران خارجی در امر تدوین قانون مدنی بود. ولی نطق‌های محمد مصدق نماینده مردم تهران در مجلس ششم شورای ملی در جلسات ۱۸، ۲۵ و ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ ش، با مضمون ضرورت تقدم تشريع بر فرایند تدوین و تصویب قانون، نقش مهمی در تغییر نظر وزیر عدلیه، با کمک اهل فضل ایرانی و صرف نظر از استفاده از مشاوران و مستشاران خارجی داشت. بررسی ارزش تاریخی-سندی این ادعا از یک سو و تحلیل حقوقی ارتباط این سخنرانی‌ها با تغییر نظر داور در تدوین قانون مدنی بر مبنای سنت تاریخی و بومی ایران از سوی دیگر، دو مسئله بنیادین این تحقیق است.

۱. بررسی پیشینه موضوع

حسب سوابق موجود، از دیدگاه حقوقی، نخستین بار حمید بهرامی احمدی در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه تدوین قانون مدنی»، موضوع تأثیرپذیری داور از مصدق در موضوع تدوین قانون مدنی بر مبنای سنت تاریخی موجود در ایران را مطرح نمود. ایشان با استناد به بخشی از یک نطق مفصل مصدق در مجلس ششم شورای ملی، به عنوان مخالف وزیر عدلیه، مدعی شده‌اند که: «من در اینجا تاریخ مختصر این واقعیت را می‌نویسم و موضوعی را که نه تنها مردم از آن اطلاعی ندارند، بلکه از بین حقوق‌دانان نیز کمتر کسی از آن با خبر است، بیان می‌سازم». و اما خبر: «واقعیت امر این است که «داور» در ابتدا قصد داشت با به خدمت گرفتن مشاوران اروپایی کار تدوین قانون مدنی ایران را در مسیر اقتباس از قوانین اروپایی قرار دهد. وی در این راه اقداماتی کرده و گروهی را برای این مهم در نظر گرفته بود و در برابر تصمیم او عکس‌العملی هم مشاهده نمی‌شد. علت تغییر تصمیم او تا حد زیادی مرهون مرحوم «دکتر محمد مصدق» است که در آن زمان نماینده مجلس ایران و از شخصیت‌های معروف حقوقی و سیاسی بود. وی در سخنرانی مفصلی که در روزهای هجدهم، بیست و پنجم و بیست و هشتم خرداد سال ۱۳۰۶ در مجلس ایراد کرد، روش کار داور را مورد انتقاد شدید قرار داد. وی در حالی سخنرانی خود را

ایراد می‌کرد که در مجلس آن روز گروه قابل توجهی از علمای مذهبی حضور داشتند.^۱ این ادعا با این کیفیت فقط توسط ایشان نقل شده و در هیچ سندی موضوع تأییرپذیری داور از مصدق در تدوین قانون مدنی مطرح نشده است؛ چراکه اصل ادعا اصالت تاریخی ندارد و نویسنده نیز هیچ سندی بابت این ادعای تاریخی معرفی ننموده‌اند. به نوشته بهرامی احمدی، مصدق در مخالفت با لایحه تقدیمی وزیر عدلیه گفت: «بنده افتخار می‌کنم و آرزومند بودم که ... یکی دیگر هم پیدا شود وزارت عدلیه را درست کند ... اگر ما درست کنیم می‌گویند ایرانی درست کرد و اگر اروپایی درست کرد، می‌گویند اروپایی درست کرد... بنده با اصلاحات آقای وزیر موافقم ولی ... ملاحظه بفرمایید هر ملتی «عقیده» نداشته باشد آن مملکت کارش زار می‌شود... پس باید مملکت را همیشه اصل اسلامیت حفظ کند فقط. خصوصاً حال که تجددمآبی اصل است و ما نباید با این اصولی که در جامعه است و به عنوان تجددهای دروغی، مملکت را خراب کنیم ... من معتقد نیستم که در اصلاحات عدلیه مملکت، چهار نفر مفتش خارجی بیابند^۲ ... وقتی که چهار نفر مفتش اروپایی آمدند در عدلیه، از دو حال خارج نیست؛ یا یک ترتیبی می‌شود، مثل «موسیو پرنی» بی‌اختیار.^۳ یک پولی می‌گیرد و «کد ناپلئون» را ترجمه می‌کند و می‌دهد به دست ما و می‌رود که بنده خیلی بهتر از او می‌توانم ترجمه کنم، برای آنکه او فقط فرانسه می‌داند ولی بنده فارسی را هم می‌دانم... و یا اینکه می‌آید اینجا و یک اختیاراتی پیدا می‌کند. اگر اختیار پیدا کند، نقض غرض می‌شود. امروز اعلیحضرت همایونی دستخط می‌فرمایند که کاپیتولاسیون ملگاست. البته اسباب افتخار ایرانی را در تمام دنیا و نزد تمام ملل فراهم می‌فرمایند. «کاپیتولاسیون» چیست؟ کاپیتولاسیون در واقع نظارت یک نفر خارجی است در محاکمه‌ای که بین ایرانی و اتباع خارجی می‌شود... بنده عرض می‌کنم ایرانیتم و اسلامیتیم به بنده اجازه نمی‌دهد و بنده را مجبور می‌کند که در یک همچو مجلسی که حجج اسلام نشسته‌اند، نمایندگان محترم مجلس نشسته‌اند و اولاد فاطمه و پیغمبر خدا حضور دارند، عقیده خود را به طور آزادانه بگویم و هر کس می‌خواهد،

۱. بهرامی احمدی، حمید، **تاریخچه تدوین قانون مدنی، ندای صادق**، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، زمستان ۸۳، شماره ۲۴، ص ۳۸.
 ۲. تأکید از ماست.
 ۳. مسیو پرنی در سال ۱۲۹۰ ش وارد ایران شد و در سال ۱۳۰۴ از ایران خارج شد.

عقیده من را قبول نکند»^۱. به ادعای نویسنده مقاله، « داور تمام طول سخنرانی مزبور را به دقت گوش داد و پس از آن به دکتر مصدق گفت که من با شنیدن سخنان شما قانع شدم و تصمیم خود را عوض کردم ما باید قانون مدنی ایران را با اقتباس از فقه اسلام تهیه کنیم»^۲.

با توجه به اهمیت نقش قانون مدنی در شکل‌گیری نظام حقوقی مدرن ایران و نیز با توجه به نقش داور در اصلاح ساختار نظام حقوقی ایران، بررسی این ادعا از دو حیث واجد اهمیت است: نخست از دید پژوهشی و سندشناسی و دوم از حیث تبارشناسی تاریخی اندیشه‌هایی که در پس تدوین قانون مدنی وجود داشت. اهمیت اصل موضوع تدوین قانون مدنی از یک سو و طرح ادعای نقش مصدق در تدوین این قانون از سوی دیگر و در نهایت نقش داور در تدوین قانون مدنی ایران، طرح مستند این ادعا را به عنوان یک ضرورت و قاعده بدیهی پژوهشی، الزامی می‌نمود، ولی متأسفانه در این تحقیق، این قاعده رعایت نشده است. تالی فاسد نخست این امر، همراه نمودن دیگر پژوهشگرانی است که در این حوزه تحقیق می‌کنند؛ چنان‌که تمام تحقیقاتی که پس از این پژوهش در خصوص چگونگی تدوین قانون مدنی انجام شده است، در دام این خطای نویسنده «تاریخچه تدوین قانون مدنی» گرفتار شده‌اند.^۳ دوم اینکه عدم مطابقت روایت نویسنده، با اسناد و مدارک تاریخی مرتبط با این موضوع، شبهه «مصادره به مطلوب نمودن» اندیشه‌ای را به ذهن متبادر می‌کند که در تاریخ اندیشه مشروطه‌خواهی در ایران، مشهور به «مشروطه مشروعه» است و به نظر می‌رسد نویسنده با هدف طرح اولویت توسل به تشریح در تدوین قانون، ضمن دفاع از این اندیشه، به برخاستن بودن تجدید به سبک داور اصرار دارد. با توجه به اهمیت این موضوع از منظر تاریخ حقوق، در سطور آتی به تفصیل، ایرادات این ادعا را از دو منظر تاریخی- سندپژوهی و تبارشناسی فکری مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. همان، صص ۳۸-۳۹.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. متأسفانه تمام مقالاتی که پس از این مقاله به موضوع مصدق و قانون مدنی ورود نموده‌اند، این ادعای غیرتاریخی بهرامی احمدی را تکرار نموده‌اند و هیچ یک زحمت بررسی اصل اسناد مرتبط با این موضوع مهم را به خود نداده‌اند. به عنوان نمونه، ن. ک به: زندیه، حسن و طلعت ده پهلوانی، **نقش علمای شیعه در تدوین قانون مدنی ایران، عصر پهلوی اول (با تأکید بر نقش سیدمحمد فاطمی قمی)**، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۲، صص ۸۶-۸۷؛ الشریف، محمدمهدی، **درنگی در تاریخچه قانون مدنی**، مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، دوره ۵، بهار ۱۳۹۷، شماره ۶، صص ۹۷-۹۸.

۲. ارزیابی تاریخی و سندشناسی ادعای تأثیر مصدق بر داور در تدوین قانون مدنی

ادعای نویسنده در قالب یک مقاله علمی- پژوهشی و در یک مجله پژوهشی مطرح شده است. ولی نویسنده برای هسته اصلی ادعای خود دایر بر نقش مصدق در تغییر نظر و عمل داور از یک سو و حضور داور در جلسه سخنرانی مصدق و سپس اعلام تغییر نظر خود به مصدق، هیچ سند تاریخی معرفی ننموده‌اند. طبق ادعای نویسنده، این ادعای مصدق در جلسات مجلس شورای ملی مطرح شده است. اگر محقق این اظهارات را از مشروح مذاکرات مجلس ششم مشروطه نقل نموده‌اند که باید به مشروح مذاکرات ارجاع می‌دادند و اگر از مأخذ دیگری این اقوال را نقل نموده‌اند، باید مرجع و منبع ادعای خود را معرفی می‌نمودند. نویسنده برخلاف قاعده متعارف، سندی برای این ادعای مهم، معرفی ننموده‌اند؛ حال آنکه استناد به قولی تاریخی، مستلزم معرفی مستند تاریخی است. همچنین ادعای اینکه: «وی در حالی سخنرانی خود را ایراد می‌کرد که در مجلس آن روز گروه قابل توجهی از علمای مذهبی حضور داشتند»،^۱ از اساس غیرتاریخی و مردود است؛ چه اینکه در آن جلسه اساساً خود مصدق این امر را مطرح نمود و مرادش از علما، نمایندگان معمم مجلس ششم بود و نه «گروه قابل توجهی از علمای مذهبی» خارج از مجلس.^۲

اصل ادعای مطرح شده مبنی بر تأثیرپذیری داور از مصدق از نظر تاریخی شفاف و مستند نیست. به حکایت اسناد تاریخی موجود در این خصوص، مصدق در جلسات رسمی ۱۸، ۲۵ و یا ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ ش، چنین نطقی ایراد ننموده است، بلکه در نطق پیش از دستور جلسه ۱۸ خرداد ۱۳۰۶ ش، که هنوز اصل لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه در دستور کار رسمی مجلس قرار نگرفته بود، مصدق این بحث را طرح نموده است.^۳ به دلالت مفاد نطق مصدق، به نظر می‌رسد که نمی‌توان از ادعای بهرامی احمدی مبنی بر اینکه هدف مصدق انصراف داور از تمسک به

۱. همان، ص ۳۹.

۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۶۴، صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴ شعبان ۱۳۴۵.

۳. مراجعه به متن مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی در تاریخ های ۱۸ و ۲۵ و ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ ش موید صحت ادعای ماست؛ چراکه در متن مشروح مذاکرات ثبت شده، مصدق چنین مسائلی را مطرح ننموده است.

مستشاران خارجی و استفاده از سنت تاریخی و علمای ایرانی بود، دفاع کرد و این ادعای بهرامی احمدی، نوعی مصادره به مطلوب اقوال مصدق است. دلایل غیرتاریخی بودن ادعای مطروحه به این شرح است:

نخست) مهم‌ترین دلیل مردود بودن این ادعا، اسناد و مدارکی است که مؤید حاکمیت اندیشه ضرورت تدوین قانون مدنی بر مبنای فقه شیعه و نقش سیدمحمد فاطمی قمی در این امر، چندین سال پیش از طرح ادعای بهرامی احمدی است. فاطمی قمی به عنوان یکی از قضات مجتهد عالی‌رتبه، در دفترچه خاطرات خود به کرات به این موضوع که پیش از تشکیل کمیسیون تدوین قانون مدنی توسط داور در سال ۱۳۰۶ ش، وی بخش عمده قانون مدنی را تهیه و تدوین نموده بود، اشاره کرده است. وی به مدد سابقه تحصیلات فقهی^۱ و تجربه عملی قضایی^۲ که در دستگاه عدلیه داشت، ظاهراً از ششم مهر سال ۱۲۹۸ ش، رسماً مشغول تهیه و تدوین قانون مدنی بوده است. فاطمی در خاطرات خود نوشته است که پس از انتصاب سیدضیاءالدین طباطبایی به «ریاست وزرایی» و انتصاب منصورالسلطنه به سمت «معاونت و کفالت امور عدلیه، برای جرح و تعدیل قوانین عدلیه... من هم در آن کمیسیون دعوت شدم». وی در ادامه آورده است: «در جلسات بعد... کمیسینی برای قوانین، به طور دائمی، تشکیل شد و من هم عضو آن کمیسیون شدم». ^۴ در همین دوره ریاست وزرایی سیدضیاء، فاطمی مجدد به «هیئت وزرا» دعوت شده است و در این هیئت وزرا، موضوع تصویب قوانین مورد شور قرار گرفته است. بنا به نوشته فاطمی: «در کمیسیون قانون، قانون مرور زمان را من سابق نوشته بودم، قرائت و تصویب شد^۵ و قانون ثبت اسناد، به نحوی که بعد منتشر شد، امضا و تصویب شد». ^۶ به مدد این سابقه و تسلطی که وی در امر تهیه و تدوین قوانین

۱. فاطمی قمی، سیدمحمد، *خاطرات سیدمحمد فاطمی قمی*، پژوهش، تصحیح و توضیحات: نائینی،

احمدرضا و زندیه، حسن، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴، صص ۶، ۸، ۹، ۱۲.

۲. همان، صص ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۷۰، ۷۳، ۷۸، ۸۱.

۳. همان، ص ۷۷.

۴. همان.

۵. فاطمی در بخش دیگری از خاطرات خود که به بعد از روی کار آمدن رضاشاه مربوط است نوشته است که: «این اوقات، قانون مرور زمان را که سابقاً من تهیه کرده بودم، مجدداً مراجعه کرده، با نظر مشیرالدوله، برای تصویب به وزارت عدلیه دادم.» همان، ص ۸۲.

۶. همان، ص ۷۸.

داشت، به نقش خود در تهیه و تدوین و تصویب قانون مدنی، در همین دوران سیدضیاء، اشاره می‌کند و می‌نویسد: «توضیحاتی برای قانون تشکیلات و اصول محاکمات نوشتیم، پس از آن قانون مدنی که من سابقاً نوشته بودم، مقداری خوانده شد و کتاب اول آن برای تصویب به هیئت وزراء فرستاده شد».^۱ آنچه را که فاطمی قمی از قبل تهیه نموده بود، کمیسیون تصویب و برای مجلس ارسال نموده است.^۲ دیگر منابع نیز این موضوع را تأیید نموده‌اند. به نوشته جعفری لنگرودی، متن کتاب اول قانون مدنی، به یکباره توسط فاطمی قمی تهیه و تقدیم نشده است، بلکه شروع فرایند تهیه و تدوین این مجموعه «از ششم میزان ۱۲۹۸ شمسی» آغاز شد «و مقداری از آن تا سال ۱۳۰۴ فراهم گردید».^۳ لنگرودی، در جایی دیگر، با انکار نقش سایرین در امر مهم تدوین قانون مدنی نوشته است که فاطمی «بار نوشتن متن قانون مدنی را به تنهایی بر دوش می‌کشید و دیگران خواسته‌اند که از این نمد برای خود کلاهی درست کنند» و در ادامه، با عبارتی تندتر نوشته است که بعد از تهیه قانون مدنی توسط فاطمی، «برخی پخته‌خواران سعی کردند که بگویند ما هم در تدوین قانون مدنی دخالت داشتیم»^۴ و نیز این قول مهم که: «کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی در ۲۰ حوت ۱۲۹۹ ش هیئتی را با عنوان «کمیسیون مطالعات قوانین» متشکل از سید مصطفی منصورالسلطنه عدل، محمدعلی ذکاءالملک فروغی، حاج سیدنصرالله تقوی، آقای سیدمحمد قمی، شیخ محمد عبده بروجردی، سیدعلی قمی و شریعت زاده مأمور تدوین قوانین جدید راجع به عدلیه کرد که حقوق ایشان در غیبت دیوان تمیز از بودجه دیوان تمیز پرداخت می‌شد».^۵ همچنین دلیل بر حکومت اندیشه شیعی بر تدوین قوانین، سال‌ها پیش از طرح موضوع تدوین و تصویب قانون مدنی در عصر داور است. وجود این سوابق مستند، برهانی قاطع بر رد ادعای بهرامی احمدی مبنی بر این است که: «داور تمام طول سخنرانی مزبور را به دقت گوش داد و پس از آن به دکتر مصدق گفت که من با شنیدن سخنان شما قانع شدم

۱. همان.

۲. نائینی، احمدرضا، (گردآوری و تحقیق) *مشروح مذاکرات قانون مدنی، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس*، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶، صص ۲۹ و ۴۲.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمبولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶، شماره ۴۱۳۹.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *علم حقوق در گذر تاریخ*، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۹.

۵. امین، سیدحسن، *تاریخ حقوق ایران*، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۵۱۱-۵۱۲.

و تصمیم خود را عوض کردم. ما باید قانون مدنی ایران را با اقتباس از فقه اسلام تهیه کنیم».^۱

دوم) در این مقطع تاریخی، نه در لایحه تقدیمی وزارت عدلیه و نه در دستور جلسات مجلس شورای ملی، موضوع طرح و تصویب قانون مدنی موضوعیت نداشته است. آنچه موضوع بحث بوده، یکی قانون تشکیلات عدلیه بوده است و دیگری قانون اصول محاکمات حقوقی.^۲ سوم) به اقرار خود مصدق به شرح مندرج در نطق پیش از دستور جلسه ۱۸ خرداد ۱۳۰۶، اصلاحات عدلیه داور شامل چهار اصل بوده است: «اصل اول، اصل انحلال عدلیه که عدلیه منحل بشود، اصل دوم آن که قوانینی جدید وضع شود و در معرض آزمایش و امتحان درآید، بعد بیاید در مجلس. اصل سوم اینکه قانون استخدام [قضات] نسخ شود و ایشان یک اشخاصی را از خارج [از عدلیه] وارد عدلیه کنند. اصل چهارم اینکه بودجه عدلیه طوری بشود که همه کس بتواند در عدلیه وارد بشود و کار کند»^۳ که با وجود این، طرح ادعای وجود موضوع تدوین قانون مدنی، غیرتاریخی و غیرقابل دفاع به نظر می‌رسد.

چهارم) ملاحظه متن لایحه تقدیمی داور نیز حکایت از این دارد که موضوع این لایحه اساساً، طرح و یا تصویب قانون مدنی نبوده است. متن لایحه تقدیمی وزیر عدلیه در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ شمسی به شرح ذیل است:

«مقام مقدس مجلس شورای ملی شید الله ارکانه، البته نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که افکار عامه و نظریات مجلس و تصمیم دولت همیشه متوجه اصلاحات قوه قضائیه بوده و تشکیلات موجوده را برای تأمین نظریه اصلاحی کافی نمی‌دانستند. واضح است که اساس این اصلاحات مبتنی بر دو اصل است:

رفع نواقص قوانین که به موجب تجزیه و عمل مشهود گردیده و اصلاح تشکیلات عدلیه از حیث صلاحیت اشخاص. با آن مقدمات یقین است که قبول مسئولیت امور عدلیه برای کسی که

۱. بهرامی احمدی، حمید، پیشین، ص ۴۰.

۲. عبده تبریزی، محمد، *درس‌های اصول محاکمات حقوقی*، به کوشش سیدناصر سلطانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۸۶.

۳. مکی، حسین (گردآورنده)، *دکتر مصدق و نطق‌های تاریخی او*، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۲۹۹.

طالب تأمین این نظریه باشد، کار آسانی نموده و مستلزم این خواهد بود که وزیر عدلیه نقشه برای اصلاحات اساسی در نظر بگیرد و برای اجرای آن، آنچه را لازم می‌داند، بکند و اختیاراتی را که ضروری می‌بینند، از مجلس مقدس بخواهد. با در نظر گرفتن این نکات و نظر به اینکه اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام مأمورین و صاحب‌منصبان مؤسسات قضایی و اداری عدلیه محتاج به یک اصلاحات اساسی فوری است و تا در این زمینه و در باب انتخاب اشخاص، اختیاراتی از طرف مجلس مقدس به وزیر مسئول داده نشود، هیچ اصلاحی مقدور نخواهد شد، ماده واحده ذیل با قید دو فوریت تقدیم می‌گردد:

ماده واحده: وزیر فعلی عدلیه مجاز است به وسیله کمیسیون‌هایی مرکب از اشخاص بصیر، موادی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و به موقع اجرا بگذرد تا پس از آزمایش، در عمل به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. کمیسیون‌های مذکوره چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند (مواد فعلی اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه مادام که به وسیله کمیسیون‌های فوق‌الذکر در ظرف چهار ماه پس از تصویب این قانون تغییر نکرده است به قوه خود باقی است). تبصره: وزیر فعلی عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند، اعم از اینکه سابقه استخدام دولتی داشته باشند یا نه، برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده، مؤسسات و محاکم را از این اشخاص دائر نماید. این اختیار برای مدت چهارماه از تصویب این قانون است.^۱ نمایندگان حاضر در این جلسه نیز به صراحت موضوع این لایحه را بازگو نموده‌اند. به عنوان نمونه، یکی از نمایندگان در مقام موافق گفته است: «اگر این لایحه (یعنی ماده واحده) را بخوانند، ملاحظه خواهند فرمود که در آنجا مخصوصاً قید شده است: کمیسیون‌هایی تشکیل می‌شود و همین یعنی شوروی است. یعنی به شور اشخاص بصیر یک کمیسیون‌هایی برای اصلاح قانون محاکمات و برای اصلاح قانون تشکیلات عدلیه و برای قانون استخدام قضات معین می‌شود، یک کمیسیون برای اصلاح قانون محاکمات، یکی برای اصلاح قانون تشکیلات و یک کمیسیون برای قانون استخدام قضات و این سه چهار کمیسیون می‌نشینند و اصلاحاتی که در قوانین لازم است می‌کنند»^۱.

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۶۴، صورت مشروح مجلس مورخه پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴ شعبان ۱۳۴۵.

۱. پیشین، نطق آقای شیخ عبدالله صدرالادبا مشهور به یاسایی نماینده مردم سمنان و دامغان.

پنجم) فاصله زمانی لایحه پیشنهادی داور به عنوان وزیر عدلیه تا تعیین کمیسیون تدوین قانون مدنی حدود یک سال است. می دانیم که لایحه پیشنهادی داور در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ ش تصویب شد، ولی هیئت تدوین قانون مدنی، در تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۰۶ تعیین و منصوب شدند.^۱ در خصوص موضوع تدوین قانون مدنی در لایحه پیشنهادی داور هیچ اشاره‌ای نشده است.

ششم) به حکایت اسناد تاریخی و حقوقی موجود، سال‌ها پیش از طرح تدوین قانون مدنی، هیئتی شامل قضات و علما آشنا به حقوق جدید، مشغول به تدوین قانون مدنی براساس فقه شیعه بودند که منابع تاریخی نیز این موضوع را تأیید نموده‌اند.^۲ مضافاً اینکه به استناد مشروح مذاکرات هشتم اسفند ۱۳۰۶ ش، داور با تصویب ماده واحده‌ای، از مجلس وقت مبلغ ده هزار تومان بودجه دریافت نمود تا قانون مدنی را که در دست تدوین بود، ترجمه و چاپ نموده و برای اظهارنظر صاحب‌نظران داخلی و خارجی ارسال شود تا نظرات خود را بیان نمایند.^۳ موضوع ارسال قانون مدنی برای آیت الله محمد بهبهانی، آیت الله امام جمعه خویی و آیت الله حاج آقا جمال الدین نیز مطرح شده است که ایشان در مقام پاسخ، آقایان سید عصار محمدکاظم عصار و شیخ علی بابا عالم فیروزکوهی را به نمایندگی از سوی خود، مأمور مطالعه و تدقیق در مفاد قانون مدنی نمودند و «اینان نیز با اندکی تغییرات جزئی، تمام مواد را تأیید و تنفیذ کردند».^۴

هفتم) متن لایحه مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ شمسی نیز ادعای مذکور را تأیید نمی‌نماید. متن لایحه که در مشروح مذاکرات مجلس ثبت شده، مشعر بر این است: «وزیر عدلیه- آقایان تصدیق دارند که یکی از کارهایی که وزارت عدلیه بایستی بکند و منتهای سعی را هم برای آن نموده است، تهیه لایحه قانون مدنی است که لایحه‌اش تقدیم می‌شود. البته باید برود به کمیسیون عدلیه. ولی از نقطه نظر اینکه یک احتیاج فوق‌العاده به این قانون داریم، این است

۱. فاطمی قمی، سیدمحمد، پیشین، صص ۲۷ به بعد.

۲. فلور، ویلم و امین بنانی، *نظام قضایی ایران در عصر قاجار و پهلوی*، ترجمه حسن زندیه، تهران: انتشارات سازمان فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۳ به بعد.

۳. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، جلسه ۲۱۶، ۸ اسفند ۱۳۰۶ شمسی.

۴. زندیه، حسن و طلعت ده پهلوانی، *نقش علمای شیعه در تدوین قانون مدنی ایران، عصر پهلوی اول (با تأکید بر نقش سیدمحمد فاطمی قمی)*، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۲، ص ۸۶.

که یک ماده پیشنهاد شده است و تقاضا شده است تا موقعی که تکلیف این قانون در کمیسیون عدلیه معلوم شود آقایان موافقت بفرمایند که این لایحه را به مواقع اجرا بگذاریم.» (ماده واحده به شرح ذیل قرائت شد)

ساحت مقدس مجلس شورای ملی، البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق دارند، برای روشن کردن تکلیف افراد و ترتیب معاملات و برای انتظام امور تأمین قضایی، تدوین قانون مدنی یکی از ضروریات اجتماعی است. نظر به احساس این ضرورت، وزارت عدلیه برای تهیه قانون مزبور کمیسیونی از اشخاص مجرب و عالم به علوم فقهیه تشکیل داده و آن کمیسیون با مطالعه تمام اطراف و جهاتی که لازم بود در نظر گرفته شود، تاکنون ۹۵۵ ماده تنظیم کرده است که منضم به این لایحه تقدیم می‌شود.

ماده واحده: دولت مجاز است از روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ که کاپیتولاسیون ملغی است، لایحه قانونی مدنی را که به مجلس شورای ملی تقدیم داشته تا وقتی که رأی قطعی کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی اتخاذ و اعلام شود، به موقع اجرا گذارد.^۱ در این جلسه، هم مصدق و هم مدرس به عنوان دو تن از نمایندگان منتقد و مخالف داور و عضو کمیسیون قضایی مجلس حضور داشتند و بدون طرح هیچ‌گونه ایرادی، با اصل و دو فوریت این لایحه اعلان موافقت نمودند.^۲

هشتم) در مشروح دفاعیات مصدق در جلسه ۲۷ خرداد ۱۳۰۶ ش، در خصوص ادعای بهرامی احمدی مبنی بر ضرورت تدوین قانون مدنی بر اساس آرا و نظرات فقها و علما ایرانی، هیچ بحثی مطرح نشده است. در این جلسه مصدق، به تفصیل، ادله مخالفت خود با لایحه پیشنهادی وزیر دادگستری را بیان می‌نماید که با توجه به اهمیت تاریخی این موضوع و ارتباط کامل آن با موضوع این تحقیق، عین اظهارات تفصیلی مصدق را نقل می‌کنیم.

«بنده خودم یکی از اشخاصی هستم که با کمال انصاف و وجدان، هر فرمایشی آقایان بفرمایند قبول می‌کنم و خدا می‌داند هیچ مقصودی ندارم غیر از این که می‌خواهم امروز که یک نفر ایرانی می‌خواهد اصلاحاتی در عدلیه به عمل بیاورد، موافقت‌نامه داشته باشد. ... به نظر بنده،

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۲۴۰، صورت مشرح مجلس سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۷ ذی‌عده الحرام ۱۳۴۶.

۲. همان.

تحقیقات در این موضوع از دو جهت ضروری است: اول این که معلوم شود رفتار دولت برطبق ماده واحده مصوبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ بوده یا نه؟ و بعد قوانینی که وضع شده مفید است یا نیست؟ تا هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود از روی اطلاع باشد. به موجب ماده مزبوره ... هر عملی که در عدلیه شده، باید مطابق قوانین تشکیلات و استخدام قضات باشد تا این که به مورد آزمایش در آمده، موقعی که قوانین مزبور به مجلس پیشنهاد می‌شوند، نواقصشان اصلاح شود. ...مجلس شورای ملی یک اختیاراتی با آقای وزیر عدلیه داد. خوب بود اول یک راپرتی از عملیات چهار ماهه، از انتخاب اشخاص و حقوقی که تاکنون تصویب شده به مجلس می‌دادند و بعد با دلایل موجهه درخواست تمدید اختیارات می‌نمودند»^۱

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این جلسه ایرادات مصدق اساساً ارتباطی با موضوع قانون مدنی ندارد. مضافاً اینکه بررسی اظهارات وزیر عدلیه نیز که در همین جلسه حضور داشته و ایرادات مصدق را پاسخ داده است، مؤید این امر است که موضوع اختلاف به قانون مدنی و تدوین آن براساس فقه یا اندیشه غربی ارتباطی نداشته است.^۲ داور در بخشی از نطق مفصل خود گفته است: «بنده گاهی فکر می‌کنم که اگر تمام اشخاصی که میلشان این است با یک نفر ایرانی به طوری که آقای دکتر مصدق فرمودند، مساعدت بکنند و کار بکنند، واقعاً کار آن کسی که می‌خواهد کار بکند خیلی خوب می‌شود. ولی خوب این هم یک نظری است. ایشان در یک جلسه که بنده نبودم، قبل از دستور و حالا هم در ضمن این پیشنهاد یک فرمایشاتی فرمودند که بنده دو قسمت می‌کنم یک قسمت درست داخل در موضوعی که الان مطرح است بود که اظهار می‌کردند اختیار قانون‌گذاری از طرف مجلس به یک شخصی داده می‌شود و داخل آن شدند یک قسمت هم بنده خیال می‌کنم وقت مذاکره‌اش در آن موقعی است که آن مواد و تشکیلات به مجلس بیاید و در اینجا مطرح شود و بعد از شش ماه اگر اعتراض دارند، باید بگویند»^۳.

نهم) رویه داور در تصویب قوانین مورد نیاز عدلیه جدید، برخلاف ادعای بهرامی احمدی است. «داور هم‌زمان با انحلال عدلیه و پیاده کردن تشکیلات جدید برای گردش کار به تهیه و

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۶۴، صورت مشروح مجلس مورخه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۰۶.

۲. همان.

۳. همان.

تدوین قانون پرداخت و کمیسیون‌های متعددی در این مورد تشکیل داد. ملاک داور در تهیه قوانین مختلف بر دو مبنا قرار داشت: مبنای اول فقه شیعه بود؛ به طوری که قانون مدنی ایران خصوصاً جلد اول از شرایع اقتباس شده است و رنگ خارجی ندارد. تنظیم‌کنندگان قانون مزبور از علما و روحانیون طراز اول بودند که خدمت قضایی را پذیرفته و با داور همکاری می‌کردند. قوانینی که در ایران سابقه نداشت، از منابع خارجی استفاده می‌شد. از جمله قانون جزا یا قانون دیوان جزای عمال دولت^۱. این رویه همان‌گونه که در بند اول این نه دلیل آوردیم، مورد تأیید دیگر منابع معتبر تاریخ حقوق قرار گرفته است. با توجه به اسناد مورد اشاره، در تبیین دلیل مخالفت مصدق با داور و طرح بحث لزوم احتراز از مستشاران خارجی در امر تدوین قوانین، دو فرضیه محتمل است:

نخست: اینکه مخالفت مصدق با داور، مخالفتی ریشه‌دار و مبنایی بوده است؛ چه اینکه مصدق خود را «وجیه المله» و داور و هم‌فکران وی را متجدد و غرب‌گرا می‌انگاشت. مصدق به جز نطق موضوع این تحقیق، در دورانی که نماینده مجلس چهارم و پنجم بود، در چهار موضوع با داور به مخالفت برخاست و در مجلس به عنوان مخالف نطق مفصلی ایراد نمود؛ اول) در مجلس چهارم که موضوع ماده واحده تغییر سلطنت قاجار به پهلوی مطرح شد، طراحین و مدافعین طرح، برای پاسخگویی به هریک از نمایندگان مخالف طرح تغییر سلطنت، نماینده‌ای در طراز وی تعیین نموده بودند که چون مصدق مخالف جدی طرح تغییر سلطنت بود و موافقین از قبل به این موضوع علم داشتند، علی‌اکبر داور را به عنوان نماینده ملزم به پاسخگویی به اظهارات مصدق تعیین نمودند.^۲ دوم) در مجلس پنجم در خصوص امتیاز نفت خوریان که در زمان تصدی داور به عنوان وزیر فواید عامه مطرح بود، مصدق در جلسات ۴ و ۷ بهمن ۱۳۰۴ ش، نطق مشروحی ایراد نمود و داور در جلسه ۱۲ بهمن پاسخ شبهات و سوالات مصدق را ارائه

۱. عاقلی، باقر، *داور و عدلیه*، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۸۸.

۲. مکی، حسین، *دکتر مصدق و نطق‌های تاریخی او*، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۱۸. از دیگر مخالفین می‌توان به سیدحسین تقی زاده اشاره نمود که سید یعقوب انوار را برای پاسخگویی به وی تعیین نموده بودند و نیز میرزا حسین علاء که جزء مخالفین بود و عبدالله یاسایی را برای پاسخگویی به وی تعیین نموده بودند. علاقه‌مندان می‌توانند نطق تفصیلی موافقین و مخالفین را در صص ۱۱۸ لغایت ۱۵۹ منبع مذکور مطالعه نمایند.

نمود.^۱ سوم) در موضوع تقاضای «امتیاز شیلات بحر خزر» توسط شوروی سابق، مصدق در جلسه مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ش نطقی علیه داور به عنوان وزیر فواید عامه مطرح نمود و داور نیز به اظهارات مصدق پاسخ گفت.^۲ چهارم) نطق‌های مورخ ۲۰ بهمن ۱۳۰۴،^۳ ۲ اسفند ۱۳۰۵^۴ که مصدق در مقام مخالفت با لایحه احداث راه آهن تقدیمی داور به عنوان وزیر، نطق‌های مفصلی ایراد نمود.

دوم: اینکه چون مصدق جزء انگشت‌شمار تحصیل‌کردگان حقوق جدید در مجلس بود که برای خود شأن مرجعیت حقوقی قائل بود، مخالفت وی با داور را بیشتر با هدف اعتقاد مصدق به لزوم حفظ سطوت و مرجعیت وی در حقوق جدید تفسیر کرد و اینکه با وجود ایشان، مبنایی برای رجوع به مستشار خارجی و ارجاع موضوع قانون نویسی به ایشان وجود ندارد. دقت در نطق مصدق مبنی بر اینکه: «من معتقد نیستم که در اصلاحات عدلیه مملکت، چهار نفر مفتش خارجی بیاید ... وقتی که چهار نفر مفتش اروپایی آمدند در عدلیه، از دو حال خارج نیست؛ یا یک ترتیبی می‌شود مثل «موسیو پرنی» بی‌اختیار. یک پولی می‌گیرد و «کد ناپلئون» را ترجمه می‌کند و می‌دهد به دست ما و می‌رود که بنده خیلی بهتر از او می‌توانم ترجمه کنم، برای آنکه او فقط فرانسه می‌داند ولی بنده فارسی را هم می‌دانم...»^۵ به وضوح مؤید این ادعاست.

۳. تبارشناسی فکری مخالفان انحلال عدلیه

تبارشناسی تاریخ عدلیه در تاریخ حقوق ایران از دو منظر قابل بررسی است: نخست از حیث مفهومی و دوم از حیث ساختاری. از حیث مفهومی، مفهوم عدلیه میراث حقوقی-تاریخی عصر قاجاریه است که در تداول صلاحیت محاکم عرفی که در انحصار نهاد سلطنت بود، این مفهوم جایگزین صدر دیوان خانه و امیر دیوان خانه گردید.^۶ از حیث ساختاری نیز «عدلیه» برای نخستین بار در زمان ناصرالدین شاه و پس از سال ۱۲۷۵ق و با عزل میرزا آقاخان نوری از

۱. همان، صص ۱۵۹-۱۶۷

۲. همان، صص ۲۲۱-۲۲۶؛ مشروح مذاکرات مجلس چهارم، جلسه ۲۴۹ مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۰۴شمسی.

۳. همان، صص ۲۳۰-۲۲۸.

۴. همان، صص ۲۳۸-۲۳۰.

۵. بهرامی احمدی، حمید، پیشین، ص ۴۰.

۶. دامغانی، محمدتقی، عدلیه ما، صد سال پیش از این، تهران: شبگیر، ۱۳۵۷، ص ۴۲.

صدرات عظمی و تأسیس مجلس وزرای سته مطرح شد که ناصرالدین شاه، عباسقلی خان معتمدالدوله جانشیر را به عنوان نخستین وزیر عدلیه در تاریخ حقوق جدید ایران منصوب نمود.^۱ این ساختار در زمان میرزا حسین خان سپهسالار، قوامی نسبی گرفت و در دوره انقلاب مشروطه به تعبیر مجدالاسلام «عدلیه نیمه قانونی»^۲ بود و در سال‌های ۱۲۹۸ش که میرزااحسن مشیرالدوله وزیر دادگستری بود، تجدید ساختاری قابل توجه یافت. این اصلاحات از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۴ که داور وزیر عدلیه شد، به تناوب توسط تیمورتاش و نصرت الدوله فیروز پیگیری شد^۳ و در نهایت در عصر وزارت عدلیه داور، به «عدلیه دنیاپسند» و مدرن تبدیل شد. داور متعاقب تغییرات بهمن ۱۳۰۵ شمسی مستوفی الممالک در کابینه، به عنوان وزیر عدلیه انتخاب شد.^۴ وی از وزرای متجددی بود که درصدد بازسازی تشکیلات و قوانین عدلیه بود و در همین راستا به موجب اختیاراتی که براساس لایحه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ش از مجلس گرفت، در نخستین اقدام اصلاحی، در ۱۴ اسفند با ارسال بخشنامه‌ای، کلیه ادارات و محاکم عدلیه را منحل کرد^۵ و درصدد اجرای اصلاحات سه‌گانه خود، یعنی اصلاح تشکیلات عدلیه، پرسنل قضایی و اداری عدلیه و قوانین عدلیه برآمد.^۶ وی نخست عدلیه تهران را منحل نمود و برخی از قضات را عزل و نصب کرد و بخشی از قانون اصول محاکمات حقوقی را اصلاح نمود، ولی به دلیل اتمام مهلت چهارماهه لایحه ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ش و عدم تکمیل اصلاحات، داور با تقدیم لایحه مورخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۶، صرفاً تقاضای استمهال چهارماهه‌ای نمود تا اقدامات اصلاحی خود را به اتمام برساند.

انحلال عدلیه اقدامی انقلابی و ساختارشکنانه بود و با توجه به سابقه تاریخی مفهوم و نهاد عدلیه، این اقدام ساختارشکنانه، مخالفت‌هایی را در پی داشت. به نظر می‌رسد در این مقطع از تاریخ ایران، دو گروه مخالف اقدامات اصلاحی داور، به عنوان نماینده متجددین، بودند: گروه اول

۱. مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین شاه)*، جلد ۱، تهران: زوار، چاپ ششم، ۱۳۸۸، ص ۹۲؛ امین، سیدحسن، *نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطیت*، پژوهش حقوق عمومی، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹، ص ۵۴.
۲. دامغانی، محمدتقی، *جوانه‌های حقوق ملی ایران*، حقوق مردم، تابستان ۱۳۵۲، شماره ۳۲، ص ۵۸.
۳. برای مطالعه تفصیلی این موضوع ر.ک به: عاقلی، باقر، پیشین، *فصول سوم و چهارم*.
۴. همان، ص ۱۰۵.
۵. مکی، حسین، *تاریخ بیست ساله ایران*، جلد ۴، آغاز سلطنت دیکتاتوری پهلوی، تهران: انتشارات کویان، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۴۷۸.
۶. صدر، محسن، *خاطرات صدرالائسراف*، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۴، ص ۲۸۸.

مخالفین تجدد، روحانیون متشرعی بودند که استقرار تجدد را معادل زوال شرع می‌انگاشتند؛^۱ مدرس^۲ بارزترین و استخوان‌دارترین نماینده این طیف بود.^۳ گروه دوم مخالفین قضات شاغل در دستگاه عدلیه بودند^۴ که استقرار عدلیه جدید معادل دفع این طیف بود و در عمل نیز این اتفاق افتاد. احمد کسروی^۵ و محسن صدر مشهور به صدراالاشراف^۶ مشهورترین نمایندگان این طیف بودند. مطابق این تحلیل، به نظر می‌رسد که مخالفت با داور نه مخالفت با یک شخص که مخالفت با یک «اندیشه» و یک «جریان تاریخی» توسط یک طیف و یک جریان تاریخی دیگر است. داور در آغاز اصلاحات، این مسائل را پیش‌بینی کرده بود؛ از جمله در نطق مورخ ۲۷ بهمن ۱۳۰۷ش اظهار نموده است: «بنده با اطلاع خودتان به شهادت خودتان میل نداشتم وزیر عدلیه بشوم. بنده تمام این مسائل و مسائلی را که ممکن است بعد پیش بیاید، پیش‌بینی می‌کردم. بنده می‌دانستم این عدلیه که از اول مشروطیت که مردم آمدند خواستند کاری بکنند ... برای این بود که عدالتخانه درست کنند. همین مشروطیت از روزی که آمد و پایه عدالتخانه را خواست به زمین

۱. این موضوع در مجلس ششم مشروطه تا بدانجا بالا رفت که داور در پاسخ روحانیون مخالف که اقدام داور را برخلاف قانون معرفی می‌دانستند، پاسخ داد: «بنده را خدا مرگ دهد مَلّایم. بنده هم قانون خوانده‌ام، می‌فهمم. بالاخره فتوای آقا در باب قانون آن است. فتوای بنده این است». مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، جلسه ۶۴، ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ شمسی.

۲. با توجه به شجاعت و جدیت مدرس در مخالفت با داور در موضوع تمدید اختیارات، داور برای رفع این نگرانی صدراالاشراف را واسطه قرار داد تا نظر مساعد مدرس را در خصوص اعلام نظر مثبت به این لایحه جلب نماید و وی ضمن مراجعه به مدرس، با ارائه توجیهاتی توانست نظر مساعد مدرس را جلب نماید و به همین دلیل، مدرس در این جلسه، خیلی مخالفت جدی ابراز ننمود. (عاقلی، باقر، پیشین، صص ۲۳۱-۲۳۰).

۳. سابقه مخالفت مدرس با داور (از منظر فکری و جریان شناسی موضوع این تحقیق)، به مجلس چهارم شورای ملی بازمی‌گردد که داور به عنوان نماینده ورامین در موضوع اعطای امتیاز احداث کارخانه کبریت‌سازی به برادران خوبی، برای نخستین بار در تاریخ حقوق ایران، موضوع ضرورت تعریف مسئولیت برای کارفرما در حادثه ناشی از کار را مطرح نمود و مدرس مخالفت نمود. داور معتقد بود که در صورتی که کارگر در حین کار با حادثه کاری مواجه شود که موجب ورود جراحتی به وی گردد، صرف نظر از مقصوبودن یا نبودن کارگر در حادثه کاری پیش آمده، هزینه درمان و زندگی او را کارفرما پرداخت نماید. (مشروح مذاکرات مجلس چهارم شورای ملی، جلسه ۱۸۰، دهم قوس ۱۳۰۱ شمسی).

۴. بارزترین نماد این مخالفت، تحصن آبان ۱۳۰۶ش شماری از قضات دادگستری در مجلس ششم بود که منجر به قرائت متن اعتراضی ایشان در صحن مجلس شد. ن.ک: مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، جلسه ۱۶۹، ۲۸ آبان ۱۳۰۶ شمسی.

۵. کسروی، احمد، *ده سال در عدلیه*، تهران: ۱۳۲۳، بی جا، صص ۹۵ به بعد.

۶. صدر، محسن، *خاطرات صدراالاشراف*، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۴، صص ۲۸۸.

بگذارد، از آن روز تا به حال، یک تشکیلاتی شد و کارها به یک ترتیبی شد و امور به یک شکلی جریان پیدا کرد که مردم ناراضی و همه مأیوس و همه بدبخت و بیچاره شدند. با وجود اینها بنده می‌دیدم همین طور می‌ماند، خوب چرا می‌ماند؟ یک چیزی را که همه برخلاف آن بودند، چطور باقی مانده؟ برای این که بنده می‌دانستم یک اشخاص مؤثر و یک اشخاص متنفاً از آن اساس تقویت می‌کنند، حمایت می‌کنند. وای به حال آن کسی که تهور به خرج بدهد و دست به آن اساس بزند. بنده اینها را می‌دانستم به همین جهت بود که بنده نمی‌خواستم وارد این کار بشوم. بالاخره عجلتاً کاری است شده. آن روز که بنده این کار را قبول کردم پیه همه صحبت‌ها همه تهمت‌ها همه حرف‌ها همه مخالفت‌ها و همه چیزهایی را که ممکن است دنباله آنها بیاید، به تن خودم مالیدم.^۱ ریشه و تبار برخی از مخالفان تجدد را خود داور در این نطق معرفی نموده است.

اگر ما در اشارت بهرامی احمدی «نقل قول» می‌بینیم ولی سند نه، این خلأ نه زائیده یک شیوه پژوهشی که نشانگر و سند هویت یک تقابل تاریخی است؛ تقابل بین تجدد و تجددگرایی که از نظر مخالفین وابسته و غیربومی بود و از نظر مدافعین و موافقین یک ضرورت و واقعیت تاریخی. به نظر می‌رسد که اشاره موافق‌گونه بهرامی احمدی به «فقط» یک نطق پیش از دستور مصدق، آن هم به قانون مدنی که هیچ ارتباطی نه به لایحه اصلاحی داور و نه به نطق مصدق داشت، بلندکردن عَلم مخالفت با تجددی بود که مدرس، در این مقطع تاریخی، به عنوان نماینده متشرعین، نماد مخالفت با تجدد بود. مصدق مخالف عدلیه نبود، بلکه همان‌گونه که قبلاً آوردیم، مخالف تجددی بود که به تعبیر ایشان در نطق پیش از دستور مورخ ۱۸ خرداد ۱۳۰۶، «تجدد دروغین» بود. او تجربه مسیو پرنی و اقدامات اصلاحی او در تدوین و تصویب قانون اصول محاکمات حقوقی را در تجربه نمایندگی خود داشت و نگران این بود که داور نیز با تبعیت از این سنت غیرمطلوب، قانونی غیرمتجانس و مخالف «مذاق مملکت» ایران تصویب نماید.

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۶۴، مورخه پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴ شعبان ۱۳۴۵.

نتیجه‌گیری

این مقاله درصدد بررسی نقش مصدق در تدوین کتاب اول قانون مدنی است. منشأ این تحقیق، ادعایی است که بهرامی احمدی در مقاله «تاریخچه تدوین قانون مدنی» مطرح نموده است. طبق ادعای ایشان، داور درصدد تدوین قانون مدنی ایران براساس نظر مستشاران خارجی و حقوق اروپایی بود. ولی مصدق با ابراز مخالفت با این موضوع، موجب تغییر نظر داور شد و متعاقب سخنرانی مصدق در مجلس ششم مشروطه، داور تغییر موضع داد و با ارجاع موضوع تدوین قانون مدنی به هیئت ایرانی، این قانون براساس سنت‌های ملی و شرعی جاری در ایران، تدوین شد. براساس یافته‌های این تحقیق، تشبث به سخنرانی مصدق در مقاله «تاریخچه تدوین قانون مدنی»، با هدف نشان دادن تأثیرپذیری داور از مصدق در خصوص تدوین قانون مدنی براساس نظرات علما و فقهای ایرانی، مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی نیست و به همین دلیل غیرتاریخی و غیرقابل دفاع است. این تحقیق با مطالعه و بررسی مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسناد و مدارک تاریخی مرتبط با این موضوع، به این نتیجه رسید که اولاً: نطق مورد استناد بهرامی احمدی در جلسات ۱۸، ۲۵ یا ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ش ایراد نشده، بلکه موضوع مورد ادعای ایشان، در نطق پیش از دستور جلسه ۱۸ خرداد ۱۳۰۶ش ایراد شده است. ثانیاً: برخلاف نظر بهرامی احمدی، داور در هنگام ایراد سخنرانی مصدق در جلسه ۱۸ خرداد، در جلسه مجلس حضور نداشته است تا از مصدق تأثیر پذیرد و همان‌جا تغییر موضع دهد. ثالثاً: مصدق در جلسات رسمی مجلس که در تاریخ‌های ۱۸، ۲۵ و ۲۸ خرداد ۱۳۰۶شمسی برگزار شده، نقیماً یا اثباتاً، در خصوص لایحه قانون مدنی یا ضرورت تدوین آن توسط ایرانی و ایرانیان هیچ سخنی ایراد ننموده است. رابعاً: با توجه به اسناد موجود، خصوصاً دفترچه خاطرات فاضل عالمی چون سیدمحمد فاطمی قمی و مجاهدت‌های وی در تدوین قانون مدنی، موضوع تدوین قانون مدنی براساس فقه شیعه و سنت‌های ملی و تاریخی ایران، از چند سال پیش از طرح موضوع توسط مصدق، مطرح شده بود و منطقی به نظر نمی‌رسد که شخصی چون مصدق که هم تحصیل کرده رشته حقوق بود و هم در مجالس چهارم، پنجم و ششم به عنوان نماینده مجلس در کمیسیون عدلیه مجلس که رسالت اصلی تدوین قوانین را برعهده داشته، عضویت داشته است، از موضوع تدوین قانون مدنی بی‌خبر بوده باشد، خصوصاً اینکه خود فاطمی قمی در دفترچه خاطرات خود،

به موضوع تدوین قانون مدنی از ۶ مهرماه ۱۲۹۸ش و نیز دعوت به «کمیسیون قانون مدنی» در «۱۹ برج حوت ۱۲۹۹» اشاره نموده و در نهایت نوشته که در ۱۶ دی ماه ۱۳۰۴، متن قانون مدنی تهیه شده توسط خود را، به درخواست منصورالسلطنه، در اختیار غلامحسین خان وثیقی قرار داده است تا وی ضمن استنساخ، متن قانون را به وزارت عدلیه بدهد. با این وصف، تشبث به مفاهیم مشروع و موجهی چون «اسلامیت»، «حضور اولاد پیغمبر»، «حضور علما و فقها» به عنوان «جاذبه» ادعای خود و مفاهیم جدلی چون «تجدد دروغین»، «غربگرایان» و «اسلام‌ستیزان» به عنوان «دافعه» توسط بهرامی احمدی، به نظر می‌رسد داخل در حوزه دفاع از ضرورت حکومت احکام شرع بر قوانین مصوب مجلس به عنوان یک مطلوب تاریخی در قالبی غیرتحقیقی و غیرتاریخی است که نه از نظر اصول پژوهشی و نه از نظر مستندات تاریخی قابل دفاع نیست و ادعای بهرامی احمدی، نه از نظر تاریخی و نه از نظر منطقی، قابل دفاع به نظر نمی‌رسد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. امینی، محمد، *زندگی و زمانه کسروی*، بی‌جا، نشر کتاب، ۱۳۸۶.
۲. کسروی، احمد، *ده سال در عدلیه*، تهران: بی‌نا، چاپ اول، ۱۳۲۳.
۳. دامغانی، محمدتقی، *عدلیه ما، صد سال پیش از این*، تهران: شبگیر، ۱۳۵۷.
۴. صدر، محسن، *خاطرات صدرالانصراف*، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۴.
۵. فلور، ویلم و بنانی، امین، *نظام قضایی ایران در عصر قاجار و پهلوی*، ترجمه حسن زندیه، تهران: انتشارات سازمان فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. مکی، حسین (گردآورنده)، *دکتر مصدق و نطق‌های تاریخی او*، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۷. عبده تبریزی، محمد، *درس‌های اصول محاکمات حقوقی*، به کوشش سیدناصر سلطانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۸. فاطمی قمی، سیدمحمد، *خاطرات سیدمحمد فاطمی قمی*، پژوهش، تصحیح و توضیحات: نائینی، احمدرضا و زندیه، حسن، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴.
۹. نائینی، احمدرضا، (گردآوری و تحقیق) *مشروح مذاکرات قانون مدنی*، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *علم حقوق در گذر تاریخ*، تهران: گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۶.
۱۲. امین، سیدحسن، *تاریخ حقوق ایران*، تهران: انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۱۳. مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین شاه)*، جلد ۱، تهران: زوار، چاپ ششم، ۱۳۸۸.
۱۴. عاقلی، باقر، *داور و عدلیه*، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۵. مکی، حسین، *تاریخ بیست ساله ایران*، جلد ۴، آغاز سلطنت دیکتاتوری پهلوی، تهران: انتشارات کاویان، چاپ اول.

مقاله

۱۶. جلالی نائینی، سیدمحمدرضا، *الغاء کاپیتولاسیون و تشکیل دادگستری نوین و قانون وکلا*، مجله کانون وکلا، پاییز و زمستان ۱۳۵۵، شماره ۱۳۶ و ۱۳۷، صص ۶۵-۵۱.
۱۷. بهرامی احمدی، حمید، *تاریخچه تدوین قانون مدنی*، ندای صادق، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، زمستان ۸۳، شماره ۲۴، صص ۵۲-۳۳.
۱۸. زندیه، حسن و طلعت ده پهلوانی، *نقش علمای شیعه در تدوین قانون مدنی ایران، عصر پهلوی اول (با تأکید بر نقش سیدمحمد فاطمی قمی)*، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۲، صص ۱۰۱-۸۱.
۱۹. الشریف، محمدمهدی، *درنگی در تاریخچه قانون مدنی*، مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، دوره ۵، بهار ۱۳۹۷، شماره ۶، صص ۱۰۸-۸۹.
۲۰. امین، سیدحسن، *نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطیت*، پژوهش حقوق عمومی، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹، صص ۷۲-۲۹.
۲۱. دامغانی، محمدتقی، *جوانه‌های حقوق ملی ایران*، حقوق مردم، تابستان ۱۳۵۲، شماره ۳۲، صص ۶۴-۵۲.

اسناد

۲۲. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۴، ۱۰ قوس ۱۳۰۱ شمسی.
۲۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۶۴، مورخ پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۵.
۲۴. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۵، ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ شمسی.
۲۵. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۶، ۲۸ آبان ۱۳۰۶ شمسی.

۲۶. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۶، ۸ اسفند ۱۳۰۶ شمسی.
۲۷. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۶، ۱۸ خرداد ۱۳۰۶ شمسی.
۲۸. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۶، ۲۵ خرداد ۱۳۰۶ شمسی.
۲۹. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۶، ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ شمسی.
۳۰. مشروح مذاکرات مجلس ششم شورای ملی، دوره ۶، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی.